



## چرا مسیحیان امام حسین را دوست دارند؟

حق چنان در من مسیحی جوشید که از شدت محبتش مرا شیعه علی خواندند. ای آسمان گواه باش و ای زمین شهادت بده که من علی را دوست دارم.

حق چنان در من مسیحی جوشید که از شدت محبتش مرا شیعه علی خواندند. ای آسمان گواه باش و ای زمین شهادت بده که من علی را دوست دارم.

به گزارش خبرنگار کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس، «پدر، پسر، روح القدس» عنوان کتابی است از حجت الاسلام و المسلمین زائری. این روحانی پژوهشگر در کتاب «پدر، پسر، روح القدس» - که به نوعی ماحصل زندگی او در کشور لبنان و در بین مسیحیان این منطقه است- به مقوله تجلی عشق علوی و شور حسینی در آثار نویسندگان، اندیشمندان و شاعران مسیحی پرداخته است. در ادامه بخش‌هایی از مطالب و آثاری که نویسندگان مسیحی در رثای سید و سالار شهیدان تالیف کرده‌اند را می‌خوانیم:

ای سرور شهادت، شعر چه ارزشی دارد اگر حامل پیام ارزش‌ها نباشد، اینگونه یاد و نام تو نه تنها فخر قهرمانان است بلکه ای حسین، تو در خاطر خدای جای داری... و ای کربلا خاک تو معطر به خون پاکی آبیاری شد که با عزت و شرافت کودکانی از آن می‌رویند که در فلسطین مقاوم هست که با هر متجاوز به حق می‌ستیزد. فروغ پیروزی میان قطرات اشک در چشم این کودکان می‌درخشد.

آفرین بر تو یا حسین، اینان کودکان و نوادگان تواند که در ایستادگی و قیامشان جاودانه شده‌ای. پیامت در جگرهایشان حک شده است.

در تو می‌نگرم که میان میدان ایستاده‌ای؛ چون قهرمانی که از بهشت آمده و فراتر از انسان‌ها همه با شر و نادرستی می‌ستیزد. چونان شیر ایستادی و چون گرگان گرسنه و شغالان گردت را گرفتند. آفرین بر مرگی که عظمت دین را در خود دارد. آنان دغدغه‌ای جز سلب خلافت نداشتند اما تو نگران دین بودی. در یک دست شمشیر داشتی و در یک دست قرآن. در تمام روزگار نام تو رمز ایثار و شهادت شد و نام آنان رمز کفر. و ای حسین، امروز یاد تو در دل‌هایمان چون آیات الهی جاودانه است.

جرج زکی الحاج شاعر و نویسنده مسیحی و استاد دانشگاه / قصیده‌الحسین؛ ص 22

حق چنان در من مسیحی جوشید که از شدت محبتش مرا شیعه علی خواندند. ای آسمان گواه باش و ای زمین شهادت بده که من علی را دوست دارم.

آن چنان گریستم که بالشم از اشک خیس شد و در قلمم پژواک ناله‌ها مویه کرد. من مسیحی را حسین به گریه انداخت و قطرات اشک از افق چشمانم تابید و درخشید. هرگز حال آنکه از دور بر روی هیزم می‌سوزد یکسان نیست. نه فرزدق زین العابدین چون من گفته: «و درد و داغی که من می‌کشم و می‌سوزم دریافت و نه متنبی به شیوه من سروده شد».

پولس سلامه حقوقدان، شاعر و نویسنده صاحب‌نام مسیحی / مآثر، ص 308

در زندگی بشر روزهای اندکی هستند که تمام تاریخ را یکجا مجسم می‌کنند و عاشورا یکی از آن روزهاست. آنچه عاشورا مجسم می‌کند فقط تاریخ شیعه نیست. بلکه تاریخ شهیدان و تاریخ شهادت است که باعث می‌شود یادش در جان‌ها عمق و امتداد یابد و هر انسانی آگاهانه با آن همدلی کند. ایمان حسین و وفاداری اصحابش و قیام آنان بر علیه ظلم و سخاومتندی و جانبازی اهل بیت ارزش‌هایی هستند که در کربلا مجسم شده‌اند و مصیبت کربلا از مرزهای زمان و مکان گذشت و بر آستانه ارزش‌های انسانی نشست و الگو و نمونه‌ای شکوهمند شد - نه تنها برای شیعیان بلکه برای همه مردم- تا سال به سال از آن درس بیاموزند و الهام بگیرند.

ادمون رزق - ادیب و حقوقدان برجسته‌ی مسیحی و نماینده سابق و وزیر در سه دولت لبنانی / مشاركة فی الاسلام، ص 30

اما صرف‌نظر از این اظهار نظرها، نویسنده‌های مسیحی دیگری هم در رثای سید و سالار شهیدان به تالیف آثار ادبی مستقلی پرداخته‌اند. به عنوان مثال پولس سلامه یکی از شاعرانی است که منظومه‌ای با عنوان «حماسه غدیر» سروده است و البته این منظومه او را در جهان اسلام و تشیع به عنوان شاعری تاثیرگذار تبدیل کرد. او قصاید و غزلیات فراوانی در رثای اهل بیت و به

یکی از اشعار این شاعر مسیحی، مجموعه‌ای است که ترتیب تالیف آن، به ترتیب جلسات عزاداری رایج در شب‌های دهه اول محرم است. شاعر، هر شعر را در این منظومه برای یکی از شهدا کربلا آورده است و هر شب، متناسب با عزاداری‌های رایج در فرهنگ عزاداری شیعیان، به یکی از اصحاب خاص امام حسین پرداخته است.

سلامه در شعری که برای برای روز پنجم محرم و در وصف عبدالله بن حسن آورده است نوشته:

از یاران حسین جز پسری خرد باقی نمانده بود که از خیمه زنان و کودکان گریخت و آمد تا خود را فدای عمویش کند. زینب سعی کرد تا جلوی او را بگیرد اما نتوانست. حسین فریاد زد: او را مانع شو ولی فایده‌ای نداشت. گفت من در سایه عمویم خواهم مرد زیرا زندگی بدون عمو برایم ارزش ندارد. در این هنگام بجر بن کعب شمشیری بر حسین فرود آورد و کودک برای حمایت او دست خود را جلوی ضربه شمشیر گرفت و تیغ دستش را قطع کرد. کودک از درد فریاد برآورد و مادرش را صدا زد و دیگر هیچ نگفت.

این شاعر و ادیب مسیحی در دهمین شعر این منظومه که اختصاص به امام حسین دارد نیز، می‌نویسد:

«شمر فریاد زد: بشتابید و او را بکشید. زرعه بن شریک از پست ترین ناپاکان شمشیر بر آورد و بر شانه و گردن حسین زد و شاخه‌ای بزرگ از باغستان کرامت را افکند. قامت بلند حسین بی تاب شد و بر زمین افتاد. شمر شتافت تا سر از بدن او جدا کند و ای کاش دستانش خشک می‌شد. شمر سر مبارک پسر پیامبر را برید و نور آن خورشید درخشان را خاموش ساخت. لباس‌های تن او را غارت کردند و آنگاه با اسب‌ها بر جنازه‌ی پاک او تاختند.»